



۲۰۱۷/۰۷/۱۸



احسان لمر

## "جوانان افغان"

### وارثین نهضت اول مشروطه

پس از سر کوب خونین و به غل و زنجیر کشیدن مشروطیت اول، همان گونه که میگویند (هر قطره خون راد مردان انقلابی، درخت آزادی را آبیاری میکند) فرزندان ملالی و میر مسجدی خان، ایوب خان، غازی ادی، ملامشک عالم، نایب سالار حفیظ الله خان، میر غلام قادر اوپپانی، میر بچه خان، محمد عثمان خان صافی، غلام حیدر خان چرخ، محمد جان خان وردک، صد ها هزار مبارز سر به کف دیگر پرچم پر افتخار مبارزه و آزادی خواهی را با نیروی بیشتر و بیشتر بدست گرفته به پیش رفتند. "آنگاه که مردی که در دیگران جریان میابد به ویژه، اگر این مرگ ارمان ستمکاران باشد یعنی آن کشته شهید باشد و برای حقیقتی مرده باشد" **1**

"میگویند عبدالرحمن خان سخت ترین درگیریها را با روحانیان استعمار ستیز داشت و برای تضعیف و وابسته ساختن این نهاد، دست به مصادره و الغاء موسسات وقعی زد که در نتیجه نهاد روحانیت سخت متکی به دولت و نمایندگان نظام فتوایی در سرتاسر کشور گردید. از طرف دیگر، این اقدام عبدالرحمن خان افغانستان را بیشتر متکی به موسسات تعلیم دینی در هندوستان و بخارا نمود." **2**

نماینده وقت بریتانیا در کابل بعد از سرکوب مشروطیت اول نوشت: "اکثریت مردم چیز فهم و حساس در کابل، به این عقیده اند که تخم این آشوب و طغیان، حالا بطور دایمی کاشته شده است و امیر، قابلیت آن را ندارد که آن را ریشه کن سازد" **3**

دو استاد بزرگ و مورخ برجسته ما پوهاند هاشمی و حبیبی به این نظر می باشند که «سراج الاخبار افغانستان» هسته مشروطیت اول را گذاشت، و «سراج الاخبار افغانیه» ناشر افکار و اندیشه های آزادی خواهان، روشنفکران، تجدد طلبان و ملی گرایان و نقطه آغاز مشروطیت دوم «جوانان افغان» به حساب میآید.

عواملی را که در رشد پروسه این مبارزه نقش برجسته داشتند چنین باید برشمرد:

- پیروزی جاپان در جنگ با روسیه تزاری 1904 - 1905
- نهضت بیدار گرانه، آزادی خواهانه و دمکراتیک سید افغان و مکتبیان او در مصر، ترکیه، ایران و دیگر کشورهای اسلامی. مانند اصلاحات به رهبری رشید پاشا در ترکیه، در ایران تحت رهبری میرزا تقی خان در سالهای 1907 و 1908 که منجر به برقراری دولتهای مشروطه در آن کشورها شد.
- نهضت آزادی خواهانه مسلمین، سیک ها و هندیهای هندوستان همسایه جنوبی ما.
- نهضت بیدار گرانه و جمهوری خواه 1911 به رهبری دکتور سون یات سن در چین.
- انقلاب بورژوا دمکراتیک روسیه 1905.
- مقدمات آغاز جنگ اول بین المللی و بلاخره شروع آن جنگ.
- سفر هیئت ترک در 1907 در جریان جنگ ترکیه و ایتالیا، غرض تبلیغ پان اسلامیزم و سپس هیئت ترک و جرمن غرض جلب توجه دولت افغانستان به طرفداری آنها در جنگ اول جهانی.
- گر چند عوامل متعدد باعث گردیده بود که فرآورده های جهان بیرون بزودی و سرعت داخل کشور ما نشود، اما امکان ندارد تا جلو نور و روشنایی را گرفته بتوانند. ارتباطات تجارتي با هند، ایران و دیگر کشورهای منطقه، ورد آشکار یا پنهانی جراید خارجی، تماس های آزادی خواهان و انقلابیون دو جناح خط دیورند، و دهها نکته دیگر باعث می شد تا افغانستان هم از جنبش های جهانی بیخبر نماند، چه رسد به این که از آن ها تاثیر پذیر نشوند.
- "هر چند هم که افغانها ممکن است از بسیار جهات عقب مانده باشند آزادی خودشان را دوست میدارند و تا آخرین نفس برای حفظ آن می جنگند، به این جهت افغانستان همیشه برای هر ارتش مهاجم خارجی یک «لانه زنبور» بوده است... تا چند سال بعد افغانستان وضع عجیب و خاصی داشت. انگلیسها به امیر افغانستان اجازه نه می داند که هیچ نوع ارتباطی با کشورهای خارجی داشته باشد و درعین حال هر سال مبلغ هنگفتی پول به او می پرداختند... " **4**
- در همین زمان است که انگلیسها و روسها بر سر تقسیم مناطق تحت نفوذ خویش در 1907 ماهداتی امضا مینمایند، چنانچه یک محقق اروپائی نوشته بود: "در شرایط سیطره جهانی استعماری، افغانستان تنها کشوری است که کار تقسیم آن به پایان نرسیده بود". در چنین اوضاع و احوال ملی و بین المللی است که در افغانستان جنبش مشروطیت

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکني دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

از بطن جامه روشن فکری و روحانیت آگاه کشور ایجاد میشود و این رویداد های قابل عطف تاریخی مایه افتخار نسلهای دیروز، امروز و فردای کشور است.

«عبدالهادی داوی»، «محمی الدین افغان»، «شهزاده امان الله خان»، «محمد ولی خان دروازی»، «ملکه ثریا» و «خیریه طرزی» دختران «محمود طرزی»، «شجاع الدوله غوربندی»، «عبدالحمین عزیز»، «فیض محمد ناصری» (دراثر مساعی وی جنازه سید افغان به کابل منتقل شد)، «خواجه هدایت الله»، «فقیر احمد خان پنجشیری»، «فتح محمد جبار خیل» (ارسلا) و برادرش «عبدالجبار جبار خیل»، «محمد کریم نزیهی»، «عبدالرحمن لودین»، «غلام محمد غبار»، «غلام محمی الدین آرتی»، «سید سعد الدین بها»، «مرزا محمد چنداولی»، «حاجی گل احمد افغان کابلی»، «سیدهاشم (برادر میر صاحب)»، «حاجی شیر احمد کابلی»، «سردار محمد رحیم شیون ضیائی» و صد های دیگر با درک از اوضاعی داخل کشور، دست بکار شده، اندیشه مشروطه اول را دوباره فعال ساختند. و همچنان آنانی که از نهضت اول مشروطیت جان به سلامت برده بودند چون «میر سید قاسم»، «غلام محمی الدین افغان»، «بابا عبد العزیز»، «کاکا سید احمد لودین»، «ماما ابراهیم ساعت ساز»، «سردار عبدالرحمن»، «سردار عبدالحبیب»، «مولوی عبدالروف خاکی»، «محمدحسین راقم»، «استاد غلام محمد میمنگی»، «استاد ابراهیم صفا»، «استاد محمد انور بسمل» و دیگران. «فیض محمد کاتب» هم نقش سازنده روشنگری در این نهضت داشت. به قول از شادروان عبدالهادی داوی محمود طرزی رسماً عضویت مشروطه خواهان دوم را نداشت، ولی رهبری معنوی مشروطه خواهان و روشنفکران افغانی را بدوش داشت.<sup>5</sup>

مشروطیت دوم در شرایط اختناق و پیگیر شدید آغاز به فعالیت نمود. این تشکل نهایت سری و مخفی تشکیلات منظم نداشت. با این همه در چنین اوضاع و شرایط مخفی و سیاه وقت، نشر شب نامه ها، معمول بود و فعالیت های مطبوعاتی و فرهنگی آنان ولو محدود، ولی عالمانه و عاملانه، گاهی در لافاه و طنز و گاهی آشکار ولی ماهرانه، پخش و نشر و توسعه می یافت. آنان از تجارب سیاسی گرانبهای گذشته استفاده کرده بودند، زمینه مساعدی را برای تطبیق مرامنامه، بخصوص، مبارزه قهرمانانه را برای کسب استقلال کامل سیاسی افغانستان که در اس اهداف شان قرار داشت آماده نمودند.<sup>6</sup>

مرحوم حبیبی این حزب را (اخوان افغان) میدانند چنانچه مینویسند: " و همین حزب اخوان افغان بعد از 1329 ق و احیای مجدد سراج الاخبار به وسیله محمود طرزی باز زندگی یافت، و تا سنه 1337 ق مجاهدات خود را در تنظیم روشنفکران افغانی و نشر معارف صرف کرد، و مساعی این جماعت در تنویر افکار و قیام عمومی ملت افغان برای جهاد استقلال و حصول آزادی کامل سیاسی مملکت مفید بود"<sup>7</sup>

در جای دیگر می نویسند: " با قساوتی که در صفر 1327 ق (14 حوت 1287 ش - 5 مارچ 1909 - لمر) نهضت اول مشروطه در کابل سرکوب شد، باز هم اوضاع سیاسی و بیداری ملی در سه سمت افغانستان، و هم باز تابی از عوامل محرکه داخلی جامعه افغانی نه می گذاشت که این شعله بکلی خاموش گردد و بنابراین می بینیم که مشروطه خواهی دوم با روحیه انقلابی متکامل تری در بین جوانان روشنفکر افغانستان نشو و نما یافت و منجر به تغییر اوضاع اجتماعی و باز ستانی استقلال افغانستان گردید."<sup>8</sup>

در دو دهه اول قرن بیست. "دو جنبش سیاسی در افغانستان نیرومند بود، جنبش ناسیونالیستی مشروطه خواهی و ضد استعماری که عمدتاً در اطراف بوروکراسی جدید البنیاد متمرکز بود و از تجدد طلبان اسلامی قرن نهم، تجدد طلبان غرب الهام میگرفت و هکذا طریقت های صوفیانه شرق افغانستان که به یک جنبش رزمنده ضد استعماری تبدیل یافته بود"<sup>9</sup>

در آثار پوهاند هاشمی، پوهنیار، غبار، شیون ضیائی و دیگران نام جنبش را «جوانان افغان» میخوانیم، و تنها «اخوت افغان» را استاد حبیبی یاد کرده اند. در رساله استا اولسن نام «حزب جنگ» نگاشته شده است، این تشکیلات که حلقه های کوچک، مخفی و نهایت سری روشنفکران میباشد که با آثار انقلابی و روشنگر عصر سر و کار داشتند و بعضاً آن را در نسخه های خطی تکثیر و پخش می نمودند. شب نامه ها نوشته و توزیع می نمودند که هدف نظام فاسد وقت می بود. وی می نویسد: " طرزی همانند سید جمال الدین افغانی تاکید میکرد که بقای اسلام و ملل مسلمان مربوط به برگشت به روح و کرکتر واقعی اسلام است که میرا از نفوذ منحط حکم روایان مستبد و علمای جاهل میباشد زیرا وسیع شدن فاصله میان منافع غیر مذهبی و موازین اخلاقی اسلام سقوط ملل اسلامی را باعث شده است. طبق نظریات طرزی برای افغانستان (یا هر ملت دیگر مسلمان) کافی نیست که بخاطر مقابله با تهدید اروپائی ها قدرت برابر نظامی را با آنها در برابر هم قرار دهد برتری قدرت اروپائی ها بخاطر دست آورد های آنها در عرصه

اقتصادی، علمی تکنولوژیک و فرهنگی است، افغانستان و سایر ملل اسلامی وقتی به موقف برابر با آنها میرسند که جامعه را بشناسند سیاست و تکنولوژی جدید را در آن عملی کنند و به انکشاف صنایع محلی و غیره بپردازند.... با آنکه طرزی در موضع دفاع از کاپی کردن راهی که اروپا آن را انکشاف داده بود قرار داشت. اما تقلید کورکورانه را نه می خواست تصور او از تجدد طلبی اسلامی بود. او جاپان را به حیث نمونه یک کشور موفق آسیائی ترجیح میداد که چیز های خوب اروپا را به صورت سیستماتیک کاپی نموده اما آراستگی کردار عنعنات، اخلاق و طریقت عمومی زندگی خود را حفظ نموده است...

مساعی و تلاش برای کسب معرفت توسط آموزش نه تنها به اصول قرآن سازگار است، بلکه بخش اساسی آنرا تشکیل میدهد. خصوصیت ممیزه انسان نسبت به حیوان برتری ذاتی او است چون خداوند به او عقل داده است نتیجتاً غفلت در اشاعه و تطبیق تعقل، زیان بزرگ به خودش به جامعه، به اسلام و خدا است. «این فلسفه تنویر» که طرزی از جانب داران نخستین آن بود روحانی آموزش دیده را با روشنفکر که وظیفه او تنویر توده ها است (سراج به معنی مشعل است) تعویض میکرد. این اندیشه ها قبلاً در سیاست تعلیمی امیر حبیب الله انعکاس کرده بود که در حقیقت مقاطعه با مفهوم نخبه گرایی دوران امیر عبدالرحمن است که مطابق آن علم تنها شایسته مغز های «نجیب» بود. مثال دیگری از خصوصیت مترقی اسلام غیر منحط نزد طرزی نقش برجسته زنان در دوران خلافت عباسی ها بود. زمانیکه تمام زنان و مردان اروپا بی سواد و جاهل بودند، زنان مسلمان موقف های مهم به حیث شاعر و هنرمند داشتند و حتی در مقامات اداری کار می کردند، چون شرایط کنونی زنان مسلمان (بخصوص زنان افغان) بسیار رقت انگیز بود، طرزی و جوانان افغان نخستین مدافعان حقوق زنان و نخستین طرفداران حق تحصیل و ازدواج زن با یک مرد در افغانستان بودند. همچنان طرزی توضیح میکرد که علت سقوط افغانستان پس از دوران تیمور شاه (1793 - 1777) تعدد زوجات بین حکمرانان بود که در نتیجه اولاد های متعدد آنها با ادعای مساوی به پادشاهی کشور را در مبارزه داخلی قدرت قطعه قطعه کردند... " 10

سردار محمد رحیم شیون ضیائی یکی از فعالین حزب (جوانان افغان) در اثر ارزشمند خویش مینویسد: "اختناق و اعدام روحیه مخالفت را در کشور خاموش نه ساخت موج نوین نارضایتی با نام محمود طرزی که در آغاز سده روان به افغانستان بازگشت و در تاریخ و جنبش افغانیان جوان به ویژه نقش برجسته بازی کرد پیوند دارد. از نخستین روزهای بازگشت خود محمود طرزی به نشر و پخش افکار روشنگرانه پرداخت این اندیشه ها زمینه چاپ روزنامه (سراج الاخبار) را مهیا ساخت این روزنامه را محمود طرزی بنیاد گذاشت و در حدود هشت سال آنرا نشر کرد."

11

استاد هاشمی سراج الاخبار را «آشیانه آزادی خواهان» مینویسند که واقعاً بجا گفته اند. به قول از استاد به اداره سراج الاخبار افغانیه چه از طریق اشتراک و یا تبادل 36 جریده از هند به شمول الهلال و ابلاغ از (ابوالکلام آزاد) 10 جریده از ایران، 13 جریده از ترکیه، 9 جریده از سمرقند و بخارا، 15 جریده از کشورهای عربی و یک جریده از مولوی برکت الله مبارز بزرگ آزادی خواه و پان اسلامیت هند از جاپان میآمد که همه توسط مترجمان برجسته به زبانهای کشور بر گردانیده شده و در سراج الاخبار طبع میشد. سراج الاخبار نه تنها در افغانستان بلکه در کشورهای همجوار- ایران، هند، تاجیکستان و... - بیدار گری میکرد و مورد توجه و علاقه مبارزان انقلابی و آزادی خواه بود این جریده با آنکه از جانب استعمار گران ممنوعه بود مخفیانه در قلمرو روس و هند بریتانیوی پخش، تکثیر و مطالعه میشد. " در مرحله اول مشروطیت دوم، از یکطرف تشکیلات منظم وجود نداشت، از طرف دیگر از لحاظ کمیت و ترکیب ملی به مقایسه مشروطیت اول در سطح نازل تر قرار داشت ولی کفه ترازو به نفع اصلاح طلبان و روشنفکران تحصیل کرده، که بیشتر شان پان اسلامیت نیز بودند، سنگینی میکرد. " 12

در جریان مبارزات «جوانان افغان» دو مانع و دشمن عمده در سد راه شان قرار داشت اول شاه وابسته عیاش (با صدها زن در حرم)، و دوم تخریبات و سنگ اندازی های محافظان منافع بریتانیه مانند خانواده مصاحبان (نادر خان و برادران)، مستوفی الممالک محمد حسین خان صافی؛ محمود سامی، سردار شیر احمد خان، سردار محمد عثمان خان، علی احمد خان لویناب، احمد علی خان لودین، عبدالاحد خان مایار، محمد گل خان مهمند و غیره.

"در این مرحله مانند مشروطیت اول، موضع ترور سیاسی و قتل امیر حبیب الله که به حیث مانع عمده در راه آرمانهای والای "جوانان افغان" قرار داشت مطرح بود که بالاخره روی یک پلان آماده از قبل از بالا عملی شد. " 13

اهداف عمومی «جوانان افغان» را ما در مقالات سرشار از عالیترین عشق به میهن و مردمان در سراج الاخبار، و بعداً جراید دوره امانیه در می یابیم. مرام و هدف مشروطیت اول و دوم را چنین جمع بندی میتوان نمود:

— طرد استعمار و تامین استقلال و آزادی کشور و هم چنین مناطق قبائلی، نیم قاره هند و جهان اسلام.

د پانو شمیره: له 3 تر8

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

— بسط و توسعه وسیع معارف و سیانس و فرهنگ پیشرفته.

— توسعه و انکشاف مطبوعات ملی آزاده و روشنگر غرض بیداری مردم.

— درک و تشخیص دردها و مشکلات مردم و انعکاس آن در مطبوعات و سرانجام راه علاج برایش.

— ایجاد روح انکشاف، تمدن و تجدد عصری و آموزش جدید و هم توسعه، گسترش و تعمیم آن.

مقالات «امان افغان» مانند مقالات «سراج الاخبار» کاخ استبداد و استعمار بریتانیه را چنان به لرزه در آورد که «هنری دابس» به «شادروان عبدالهادی داوی» گفته بود که **«امان افغان دشمن بریتانیه است»** 14

**« جوانان افغان »** بهترین نخبه گان و روشنفکران کشور بودند که با **« واقعیت گرائی به تبلیغ شفاهی و کتبی در امور کشوری، ابراز نظر می کردند. حسن اخلاق، تقوی سیاسی، سادگی، عظمت، تواضع و هوشیاری را توصیه میکرد و اعمال منافی شئون و حسن شهرت حزب را تقبیح مینمودند. متعهدان این حلقهات سیاسی، در عوض جامعه قبل از قانون و سیاست و بسته و کهنه پرست که نهاد های قبایلی در آن هنوز زیاد نیرومند بود و سرانش فاقد هرگونه فرهنگ حکومتی و مدنی بود و پدیده های روبه تکامل و مترقی را یا به بسیار مشکل می پذیرفتند و یا نه می پذیرفتند، طرفدار یک جامعه عقلانی قانونی بودند و برای تحقق آن مبارزه میکردند.»** 15

حزب جوانان افغان از دو گروه متشکل بود: «حلقه سیاسی اعتدالیون» که طرفدار اصلاحات معتدل و عمران کشور، بازسازی آبدات تاریخی، نو آوری ها و عصری سازی کشور مطابق شرایط و ایجابات زمان بدون توسل به زور و اکره، معتقد به اصل شایسته سالاری بودند که اعضای برجسته آن عبارتند از میرسید قاسم و برادرش سیدهاشم (بعداً در تاشکند به شهادت رسید)، غلام محی الدین افغان، عبدالهادی داوی، عبدالحسین عزیز، فیض محمد ناصر، خواجه هدایت الله، فقیر احمد، فتح محمد جبارخیل (ارسل) و برادرش عبدالجبار جبارخیل، محمد کریم نژیی (جلوه) و ...

گروه دوم «رادیکال ها» بودند **« این حلقه با شرایط سنت گرائی های ارتجاعی و عقب گرائی های خرافی و متحجران، این پاسداران اختناق و مخالفان عدالت و مساوات و آزادی که همه چیز را مغز شویی میکنند، موافق نبودند و عمل کننده آنان یعنی عمامه به سر های را که هر روز بر قطر عمامه های خود میافزایند و حیثیت تیغ دو دم را داشتند و با سوء استفاده از دین، و به نام دین، هر نو آوری و ترقی و تجدد را با ضدیت مواجه می ساختند، و با تفکر خرد انسانی و مدنیت، مخالفت میکردند، دشمنان دانش و معرفت می دانستند. هم چنانچه امروز هم نو اندیشان این متحجران را که یک لبه این تیغ را علیه تمام مظاهر تمدن غرب بکار میبردند و ویروسهای کمپیوتری میدانند که هم پلان ها را برهم می زنند و خرد را نا مطلوب می سازند »** 16 اعضای این گروه شامل غلام محی الدین (آرتی) که (در پشاور به شهادت رسید)، عبدالرحمن لودین (توسط نادر خان به شهادت رسید)، غلام محمد غبار، سید سعد الدین بها، میرزا محمد مهدی چنداولی (به امر نادر خان به شهادت رسید) و ... می باشند

به قول از داکتر فضل غنی مجددی حلقه منظمی که دارای برنامه و پروگرام سیاسی (سوسیال دموکرات) شبه احزاب سوسیال دموکراسی امروزی بود حلقه محمد ولی خان دروازی می باشد. متأسفانه اسامی فعالین این حزب و مرام نامه شان چیزی به دسترس ندارم.

باید یاد آور شد که در پهلوی اعضای فعال مشروطه خواهان دهها و صدها هموطن نخبه و روشنفکر دیگر داشتیم که اگر عضو علنی «جوانان افغان» نبودند در همکاری و دوستی و خدمت گذاری به وطن با آنها سهیم بودند مانند: استاد قاسم افغان، استاد غلام حسین، سردار نرنجنداس، اسما رسمیه طرزی، خانم روح افزا طرزی (برادرزاده محمود طرزی)، عبدالعلی مستغنی، مولوی صالح محمد، قاری عبدالله ملک الشعرا، میر غلام حضرت شایق، عبدالغفور ندیم، ملا طوطی، میرمحمد یوسف، صلاح الدین سلجوقی و ... و ...

استاد اولسن حلقهات حاکمه دربار را به سه گروه تقسیم بندی مینماید:

گروه طرفدار بریتانیه – امیر حبیب الله خان، سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله، بی بی حلیمه (بیوه عبدالرحمن خان و نواسه دوست محمد خان) و عده از تجاری که با هند رفت و آمد داشتند.

«حزب جنگ» – حلقه اول شامل سنت گرایان به رهبری سردار نصرالله خان و قاضی القضاات عبدالرحمن خان که توسط رهبران قبائل و شخصیتهای مذهبی حمایت میشدند.

حلقه دوم «حزب جنگ» – متجددین تحت رهبری محمود طرزی و سردار امان الله خان.

پس از تاسیس تنظیم های جهادی در ایران و پاکستان در دهه 80 قرن گذشته باز هم لبه تیز تیرهای دشمنی و زهر پاشی را به سوی مشروطیت دوم و جهش بیدارگر آن دوره و سراج الاخبار و محمود طرزی نشانه گرفتند که تا کنون دوام دارد. توجه تان را به طور نمونه به سطور ذیل از این ها جلب مینمایم.

د پانوی شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلښکني د لښکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ





شیر احمد نصری (حق شناس) مدعی است که " آن نیروی مسموم و مرموز که نظام سیاسی و اجتماعی ترکان و ایرانیان را در آن ایام زیر و رو کرده بود در افغانستان هم بکار افتاد." **17** (منظور مشروطیت اول و دوم میباشد)

"تکیه زدن امیر امان الله بر اریکه قدرت، مصادف است با جنگ سوم افغان و انگلیس و اوج ناآرامی ها و بدبختی ها" عین نویسنده

اسناد ثابت می کند که حقیقت و واقعیت "**اوج نا آرامی ها و بدبختی ها**" در این مرحله حاضر است نه دوره درخشان امانیه



سید رسول می نویسد: "وا بستگان تمدن غرب با تمایلات سیاسی متخاصم وارد دربار حبیب الله شده...امیر توسط چند احمق مثل محمود طرزی و عبدالقدوس احاطه شده" **18**.

امان الله فروغی ادعا دارد: "محمود طرزی شاهزاده جوان شاه امان الله را بنا بر اساس خدمت به مردم و ... با روحیه و مفکوره سوسیالیستی که در آن زمان تازه ترین کشفیات گمراهان و مکتب جدیدی پا نهاده در عرصه عامل انسانی بود بار آورد." **19**

اما خود طرزی مینوشت که: "... قرآن کتاب مقدس برای هدایت و راهنمایی نوع بشر، نازل شده، هزاران افسوس که بسیاری از مسلمانان کتاب مقدس زندگی بخش را برای مردگان خود مخصوص نموده و تنها برای خواندن ارواح مردگان خود بدست میگیرند، مقصود آن نیست که قرآن در سر قبرستان به حضور مردگان خوانده نشود بلکه مقصد آنست که زندگان برای زندگانی خود، نیز آن را به خوانند. همه فَلَاکت ها و مصیبت ها که بر ما پیش آمده از جاهل بودن، ما به قرآن

خود ما است. ناداری از بی تعلیمی و بی خبری قرآن که علم را حیات، و جهل را موت، و علم را نور، جهل را ظلمت به ما نشان داده است هزار افسوس که ما قرآن را از بر می کنیم ولی به معنای آن هیچ غور نمی کنیم ... انسان در هر دو کار (آخرت و دنیا) به علم محتاج است، علم برای محافظه دین و دولت، برای سلامت و ترقی وطن..." شماره 20 سال چهارم سراج الاخبار

شاه آقای مجددی یکی دیگر از مخالفین نهضت امانیه می نویسد: "شاه (امان الله خان) به مجرد رسیدن به مسکو مورد استقبال شخص لینن قرار گرفته و در شوروی از شاه افغانستان استقبال گرمی به عمل آمد... دماغ و مغز او در کار خانه کثیف لینن از عقاید اسلامی شست و شو گردید و..." **20**

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

این ادعا مطلقاً حقیقت ندارد. و دروغ محض است زیرا که ولادمیر ایلچ اولیانوف لنین بنیانگذار حزب و دولت شوروی سابق در (21 جنوری 1924) مرده است، Vladimir Illich Oulianov Lénine (22 اپریل 1870-21 جنوری 1924). اما شاه آزاده افغان «شاه امان الله خان» چهار سال بعد از مرگ لنین به شوروی سفر نمود و بودند یعنی از تاریخ (14 الی 29 ثور 1307 ش مطابق 3 تا 18 می 1928 م).

در جریان این بازدید استالین منشی عمومی کمیته مرکزی (ح. ک. ا. ش.) که جانشین مقام لنین در آن حزب بود، هیچ دیداری رسمی یا خصوصی حتی ملاقات تعارفی هم با هیئت افغانی نداشت. اما توجه فرمائید که میخائیل کالینین (Mikhaïl Kalinine) \* رئیس شورای دولتی روسیه یک پست نمایشی در نظام شوروی وقت بود که ظاهراً حیثیت رئیس جمهور را داشت و رئیس جمهور باید به پذیرا می نمود، مهمانان افغانی را ورشیلوف وزیر دفاع (Kliment Vorochilov) و کالینین استقبال نمودند.

ضمناً از دماغ و مغز شوئی در "کارخانه کثیف" جنرال ضیاالحق، جنرال اختر عبدالرحمن و جنرال حمید گل و سپاه پاسداران وزارت اطلاعات ایران استخبارات امریکا، انگلیس، سعودی و دیگران چه میگویند؟ طالب و داعش و القاعده و انتحاری را کیها مغز شوئی میکند؟ و چه اندازه به نفع اسلام است؟ و هم شما چرا خاموش هستید؟؟



کنتنگ یا بریده روزنامه «جنگ» چاپ راولپنڈی (۲۷ جون ۱۹۹۲): «رییس جمهور افغانستان، پروفیسور برهان الدین ربانی، در جریان ملاقات با جنرال حمید گل در اسلام آباد از خدمات وی ستایش به عمل آورده، از وی خواست تا به کابل آمدہ منحنیت مشاور دولت جمهوری اسلامی افغانستان خدمت نماید. جنرال حمید گل ضمن تشکر از رییس جمهور افغانستان گفت هیچ گونه پاداشی را نخواهد پذیرفت...»

محمد محقق چهره آشنای دولت یک نیم دهه اخیر؟؟؟ مینویسد: "... در مرور زمان ضعف و زبونی، ذلت و در یوزگی و عدم آزادی فکر و عمل وی بر ملا شده و چهره واقعی وی از پس پرده های مکر و تزویر، خدعه و نیرنگ نمایان گشت.



امیر امان الله خان بر علاوه دامن زدن به جنگهای مذهبی و درگیری های خونین داخلی که به هدایت مستقیم انگلیسها برای تضعیف ملت مسلمان کشور و ضربه زدن به استقلال و حاکمیت ملی و اسلامی آنان این کار را انجام داد، نوکری و مزدوری، نداشتن استقلال فکری و آزادی عمل وی را در طول مدت حکومت وی ... !!! 21

تصویر صفحه بی بی سی سخن از ضعف و زبونی ذلت و در یوزگی دیگران می گوید <<<

جواهر لعل نهرو مبارز، مورخ، نویسنده و محقق برجسته و

د پانوی شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

صدراعظم سابق هند در مورد امان الله خان مینوید " در اوائل سال 1928 امان الله و ملکه ثریا افغانستان را برای سفری طولانی در اروپا ترک گفتند .... و در همه جا با استقبال گرم مواجه گشتند. همه این کشورها با کمال اشتیاق خواستند توجه و حسن نیت امان الله را برای منظور های بازرگانی و سیاسی خود جلب کنند. در همه جا هدایای گران بها به او تقدیم شد اما او مانند یک سیاست مدار عالی نقش خود را به خوبی اجرا میکرد و در هیچ جا هیچ تعهدی به گردن نه گرفت.

... در ایام غیبت امان الله تمام اشخاص و عناصر مرتجعی که با او مخالف بودند به پیش آمدند. انواع دسیسه ها طرح شد و تبلیغات بر ضد او انتشار یافت. ظاهراً پولهای فراوانی برای تبلیغات ضد امان الله خرج میشد و هیچ کس نه می دانست این پولها از کجا می آمد. به نظر می رسید که به بسیاری از ملا ها و آخوندها مبلغ هنگفتی به این منظور پرداخت شده بود و آنها در تمام کشور امان الله را "کافر" و دشمن دین معرفی میکردند..." 22

شادروان محی الدین انیس، شاهد تمام حوادث آن دوره کشور چین می نویسد که: " گویا از تاریخ مستقل شدن افغانستان، اداره کردن سکان سیاست آن از مشکل ترین شئونات اداری اش بوده است.

چیزی که بر این همه مشکلات می افزاید خطرناکی غلط کردن در این شعبه است. زیرا جریانات قرن اخیر سیاست غربی ها در صحنه های مشرق این را نشان داده است که اندک سهو یک دولت شرقی در مقابل سیاست غربی با کمال بی رحمی آنرا تباہ و فنا نموده، زیرا غربی ها را در هر چیز متمدن و با اعتدال میتوان گفت، الا در مفاد های سیاسی شان که از مرتکب شدن هیچ تعسف (بیراهه رفتن، راه را کج کردن و منحرف شدن، بدون تامل بکاری پرداختن، ستم کردن) و جبر کوتاهی ندارند.... اگرچه ما انکار کرده نه می توانیم که هر دو همسایه در اثنای اغتشاش در شئونات داخلی دست انداخته باشند، و علامات زیاد این را نشان میدهد که در وقت بی نظمی احتمال کلی دارد که دست درازی های زیاد مخفیانه شده باشد ... آثار جریان پرو پاگند مخالف مفاد حکومت حس میشد، مثلاً در طبقه عوام هر روز افواہات عجیب سروده میشد، از قبیل این که اذان دادن موقوف خواهد شد و مسجد ها را حکومت بسته کردنی است .... که عیناً همین افواہات نه تنها در کابل بلکه در لوگر و شمالی و عموم سمت های دور و نزدیک مرکز به یک قالب و عبارت منتشر بود چنانچه تکرار ملاحظه این پروپاگند ها و باز یک قالب و عبارت با یک ریخت بودن آنها فکر را به این ملتفت می ساخت که این ها در زیر کدام پروگرام و ترتیبات مخصوص نشر شده

است." 23

استا اولسن مینوید: " افواہاتی در مورد سفر شاه به خارج نیز پخش شد. مطبوعات هند تبلیغات وسیعی را در باره این سفر براه انداخت و جرایدی که به افغانستان میرسید حاوی تصاویر ملکه بود که بدون حجاب در ممالک خارجی سفر می نمود. نماینده تجارتی افغانستان در کویت که ضد امان الله بود تمام جرایدی را که بی حجابی ملکه را شرح میداد خریده به کابل می فرستاد. همه تصاویر ملکه واقعی نبود" 24

در اسناد استخبارات انگلیسیها که از محرّمیت خارج و در معرض استفاده اسناد تاریخی قرار گرفته میخوانیم که: " سکات در تلگرام بعدی اش بتاريخ 21 فیروزی 1928 از کوئته نوشت که : آنچه را که ذیلاً در رابطه با حرکات مخالف با حزب جوانان و شاه امان الله برای شما راپور میدهم، خالی از دلچسپی نخواهد بود. نماینده تجارتی افغانی در کویت به نظر من شخص مخالف با امان الله خان بوده با خبر از حرکاتی است که در حال تکوین میباشد:

1 - این شخص در خلال یکی از گفتگو هایش با یکی از مامورین دفتر ما در هند گفته است که دوره اقامت شاه امان الله به لندن در حدود سه هفته بیش نخواهد بود و به احتمال قوی امان الله متباقی عمرش را مهمان دولت انگلیس در ان دیار خواهد ماند.

2 - این شخص تمام اخبار را که عکسهای روی لچ ملکه افغانستان را نشان میدهند، به مجرد دستیابی خریداری نموده به افغانستان می فرستد. او یک روشی را که آگنده از نفرت است، به مقابل ملکه در پیش گرفته است..." 25

در مورد نهضت اول و دوم مشروطیت در تمامی دوره نیم قرن خاندان نادر خان انکار صورت گرفت و عمداً می خواستند پرده پوشی نمایند، مگر ( حقیقت پنهان می شود، محو نه می شود). چه زیبا و پر محتوای گفته برتولت برشت این که:

"آن که حقیقت را نه می داند، نادان است، اما آن که حقیقت را می داند و انکار می کند، تبهکار است." 26

## مآخذ

1 - علی میر فردوس - حلاج - چاپ پانزدهم 2005 مان ، ص 221 .

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ





پروفیسور غلام محمد مینمنگی، عبدالهادی داوی، سیدقاسم (داماد طرزی) استادہ از

- 2 - خواجه بشیر احمد انصاری  
- شیخ های شهر ما - مقاله در  
سایت انترنت.
- 3 - سید سعد الدین هاشمی -  
جنبش مشروطه خواهی در  
افغانستان - چاپ شورای  
فرهنگی جلد دوم 1384، ص 1.
- 4 - جواهر لعل نهرو - نگاهی  
به تاریخ جهان - چاپ نهم  
1372 جلد اول ص 795.
- 5 - پوهاند هاشمی - نخستین  
کتاب در باره مشروطه خواهی  
در افغانستان - طبع 1383  
تهران جلد اول پاورقی  
صفحه 79.
- 6 - عین مأخذ ص 239.
- 7 - عبدالحی حبیبی - تاریخ  
مختصر افغانستان - جلد دوم  
1349 کابل ص 145.
- 8 - هاشمی، جلد دوم ص 144.
- 9 - استا اولسن - اسلام و  
سیاست مترجم خلیل الله زمر  
چاپ اول 1378، ص 108.
- 10 - اولسن ص 116.
- 11 - سردار محمد رحیم -  
برگهای از تاریخ معاصر وطن  
ما - مترجم غلام سخی غیرت  
مرتب عبدالشکور حکم  
پشاور 2001 ص 39.
- 12 - هاشمی ص 239.
- 13 - عین مأخذ ص 240.
- 14 - ایضاً، ص 241.
- 15 - ایضاً، ص 244.
- 16 - ایضاً، ص 247.
- 17 - محمد نصیر مهرین - دو  
چهره از امیر عبدالرحمن خان -  
چاپ اول 1378 ص 62 به قول  
از دکتور ش. ن. (حق شناس).
- 18 - سید رسول - نگاهی به  
عهد سلطنت اماتی - طبع دوم  
1377 ص 26
- 19 - امان الله فروغی - گنجینه معانی - 1998 دنمارک.
- 20 - شاه آقا مجددی - مختصری پیرامون زندگی نامه امیر حبیب الله کلکانی - 1378 پشاور صفحات 17 و 18.
- 21 - محمد محقق دایکندی - راه های وصول به صلح و امنیت و ثبات سیاسی - ص 59 انتشارات عرفان ایران 1372 ش.
- 22 - ج. لعل نهرو، صفحه 1504.
- 23 - محی الدین انیس - بحران و نجات - طبع دوم خزان 1378 مرکز نشراتی میوند پشاور صفحات 25، 26 و 55.
- 24 - استا اولسن، ص 142
- 25 - داکتر عبدالرحمن زمان - باز نگری دوره اماتی و توطئه های انگلیس موسسه انتشارات موسکا زمستان 1391، ص 342
- 26 - علی میر فردوس، ص 217.

د پانیو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ